



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۴۶

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

یکشنبه ۲۳ شهریور ماه ۱۳۰۹ - بیستم ربیع الثانی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه : ۱۰ تومان
 داخله : ۱۲ تومان
 خارجیه : ۱۰ تومان
 تك شماره : بکقران
 مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و سوم شهریور ماه ۱۳۰۹ (۲۰ ربیع الثانی ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) بقیه شور لایحه مربوطه باطاقهای تجارت
- (۳) شور اول لایحه استخداة افراد و ردیف افراد نظمیة
- (۴) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای معاون وزارت معالیة
- (۵) موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس روز پنجشنبه شانزدهم شهریور ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمایندگان - خیر) صورت مجلس تصویب شد
- [۲ - بقیه شور لایحه راجع باطاقهای تجارت]
- رئیس - ماده ۲۵ از وظایف اطاقهای تجارت قرائت می شود
- ماده ۲۵ - وظایف اطاقهای تجارت بقرار ذیل است
- ۱ - تهیه و ارسال هر گونه نظریات و اطلاعات راجع به امور تجارتنی و صنعتی که دولت تقاضا نماید
- ۲ - اظهار نظر راجع به وضع تجارتنی و صنعتی حوزه خود با ذکر وسائل اصلاح و توسعه آن تقدیم رابرتهای جامع سالیانه راجع بجهت امور تجارتنی حوزه و عملیات و محاسبات سالیانه خود بوزارت اقتصاد ملی

☆ این مذاکرات مشروح یکصد و چهل و ششمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

☆ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده: غائبین با اجازه - آقایان: حبدری - ملک آرائی - دکتر طاهری - افسر - جشدی - منی - بیات ماکو - شهداد - عدل - اعظم زنگنه - فرشی - مصباح فاطمی - قزوچی - لرستانی - مصدق جهانشاهی - صادقی - اسکندری - اورث - پروجردی - امیر حسین خان - حاج غلامحسین ملک - فولادوند - عباس میرزا - تیمور تاش - احتشامزاده غائبین بی اجازه آقایان: امین اراهمی - میرزا حسنخان وثوق - قراگوزلو - بوشهری - مسعود - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - مقدم - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخعلی مدرس - حاج حسن آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه آقایان: بزرگ نیا - دکتر امیر اعلم - اسدی - افغنی - کاشانی

دیر آمده بی اجازه: آقای صیام

۳ - اظهار نظر راجع باصلاحاتی که باید در کلیه قوانین تجارتي بعمل آید مخصوصاً نسبت بتعرفه گمرکی

۴ - تاسیس دفتر اطلاعات و نشر مجلات واحصائیه های تجارتي.

۵ - تنظیم تعرفه اسامی تجار و مختصات تجارتي آنها

۶ - مساعدت با دولت در پیشرفت اقدامات اقتصادی

۷ - انجام وظایفی که بموجب نظامات یا قوانین علیهمده از طرف دولت بعهده آنها واگذار میشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا با اصل ماده بنده کاملاً موافقم ولی يك اصلاحاتی را که گمان میکنم هم آقای وزیر و هم آقای مخبر قبول فرمایند نسبت باصلاح ماده این وظایفی که از برای اطاق تجارت است بعد از آنکه انشاء الله دولت موفق شد و در مرکز مهم تجارتي مملکت تاسیس اطاقهای تجارت را داد وظایف بحسب قانون مجلس شورای ملی برای اطاق تجارت معین میکند که اطاق تجارت هم تکلیفش معین باشد که وظیفه اش چیست. بواز حدود وظیفه خودش تجاوز نکند و وظایفش معلوم شد مملکتی که اهالیش وظیفه شان معین شد اصلاح میشود در اینجا ماده ۲۵ متضمن و بیان کننده وظایف اعضاء اطاق تجارت است که چکار کنند در این ماده در جزء در مش بنده يك نظری دارم و پیشنهاد کردم عرض میکنم میتونید اظهار نظر راجع باوضاع تجارتي و صنعتی حوزه خود با ذکر وسایل اصلاح (حالا اصلاح را تغییر میدهم با ذکر وسائل تکمیل و توسعه بهتر است چون اصلاح بعد از نقص است) و توسعه آن و تقدیم راپرت جامع سالیانه راجع بجزایان امور تجارتي حوزه و عملیات و محاسبات سالیانه خود بوزارت اقتصاد ملی بنده در این کلمه محاسبات سالیانه گیر دارم بجهت اینکه اطاق تجارتي خودش محاسبه ندارد اطاق تجارتي یکعده هستند که بعنوان مشورت در آنجا جمع میشوند وظیفه که برایشان معین است ترقی دادن و توسعه در امور تجارت و پیشنهاد

و این تعرفه گمرکی را از بین ببرند که خانه ما را خراب کرده است پس نسبت بتعرفه گمرکی مسلماً باید اصلاح شود اما چون کلمه کلیه قوانین است شاید بعضی از قوانین است که محتاج باصلاح نیست از این جهت بنده در آن پیشنهاد خودم عبارت کلیه را حذف کردم و اینطور شده است اظهار نظر راجع باصلاحاتی که باید در قوانین تجارتي بعمل آید باعمل میاید این بود پیشنهاد اصلاحی بنده که تقدیم مقام ریاست میکنم.

اعتبار (مخبر کیسیون) - اینجا در قسمت محاسبات که اشکال فرمودند در جزء دوم منظور ما همان محاسباتی است که در ماده ۲۸ بدست میاوریم البته این صدی نیمی که در آن ماده منظور شده باید حساب داشته باشد برای نظارت و کنترل این حساب وزارت اقتصاد ملی از همه بهتر است منظور ما این بوده است و محاسبات تجار را نه دولت و نه کیسیون در نظر نداشته اند بعد در قسمت سوم که فرمودند در قسمت اظهار نظر این لازمه اصلاح و تغییر قوانین نخواهد بود بالاخره يك قوانینی را اطاقهای تجارت تحت نظر میگذارند و اظهار نظری کنند ولی این اظهار نظرها لازم نیست که اورا تغییر بدهد آن اظهار نظرها بوزارت اقتصاد ملی میاید و تحت توجه واقع میشود بعد هم بمجلس شورای ملی خواهد آمد و در اینجا تحت مطالعه و مذاقه واقع خواهد شد و این هم اشکالی ندارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - این جا بنده یکی در قسمت اول ماده بیست و پنج عرض دارم یکی هم در قسمت آخر در قسمت اول میگوید تهیه و ارسال هر گونه نظریات و اطلاعات راجع با امور تجارتي و صنعتی که دولت تقاضا نماید بنده با ضمیمه کردن تقاضای دولت در این قسمت مخالفم دولت گرفتاریهای زیاد دارد و شاید بتواند بعضی تقاضاها را بکند خود این اطاق تجارت مکلف است که هر گونه اصلاحاتی با هر چیزی که لازم بداند بدون

تقاضای دولت باید خودش پیشنهاد بدولت بکند. نه اینکه دولت اگر تقاضا کرد آنوقت او نظریات خودش را بنویسد این موافق عقیده بنده نیست باید اطاق تجارت نظریات خودش را و اصلاحاتی را که در نظر میگیرد بدون تقاضای دولت حق داشته باشد بفرستد بلکه تقاضا و استدعای انجام او را هم حق داشته باشد. نظر دیگر در فقره هشت میگوید: انجام وظایفی که بموجب نظامات یا قوانین علیهمده. خوب نظامات علیهمده يك ترتیبی است که باید بانها داده شود اما قوانین علیهمده کدام است که از طرف دولت باطاق تجارت فرستاده میشود؟ نظاماتی که فرستاده شود آن صحیح است اما قانون بیستی بتصویب مجلس برسد نظر بنده در این دو فقره بود که آقایان توضیح بدهند **کفیل وزارت اقتصاد ملی** - قسمت اول با آنچه که میفرمایند منافذ ندارد برای اینکه در قسمت دوم همان نظر آقا تامین شده است آن جانی را که خود اطاق تجارت چیزی بنظرش میرسد و بخواهد بگوید بموجب فقره دو که میگوید: اظهار نظر راجع باوضاع تجارتي صنعتی حوزه خود با ذکر وسائل اصلاح الی آخر این يك تکلیفی است که برعهده اطاق تجارت گذاشته اند که هر نظری دارند راجع باوضاع تجارت و اقتصادی بدهند و البته مقصود آقا هم نیست که دولت ممنوع باشد از این که از اطاق تجارت اظهار نظر بخواهد خوب حالا میفرمائید دولت گرفتاریش زیاد است وزارت اقتصاد کارش همین است يك قسمت از وظیفه اش همین است پس باید اجازه داشته باشد بنابر این هر دو منظور تامین شده است و اما در باب فقره هفت که فرمودید بموجب نظامات و قوانین علیهمده. قوانین یعنی آن چیزهایی که از مجلس شورای ملی میگذرد ممکن است بعد از اینکه اطاق تجارت تشکیل شد عملیات کرد دولت داخل شد در کارهای تجارتي در امور تجارتي يك وقتی امر دایر شد که يك قانونی راجع بیک امر تجارتي در مجلس شورای ملی بگذرد وقتی که آن قانون از مجلس شورای ملی گذشت و بموجب آن قانون محول باطاق تجارت شد مشمول این ماده خواهد شد

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود: پیشنهاد میکنم در ماده ۲۵ جزء دوم ماده کلمه (و محاسبات سالیانه) حذف شود.

پیشنهاد دیگر آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد میکنم در جزء سوم ماده ۲۵ کلمه (باید) و کلمه (کلیه) حذف شود و کلمه بعمل آید تبدیل به عمل میاید

رئیس - ماده بیست و ششم قرائت میشود: ماده ۲۶ - نظریات اضافی تجاری مخصوصاً راجع بمسائل ذیل لاسدی الاقضا از طرف وزارت اقتصاد ملی خواسته میشود:

- ۱ - در باب وضع یا تفسیر یا اصلاح قوانین مربوطه تجارت و اقتصاد
- ۲ - راجع بمسائل مربوطه به بورس و بانک و صرافی و دلالی و عمل بیمه و ترتیب دفاتر تجار و دلالها
- ۳ - راجع بایجاد محاکم تجاری در حوزه اطاق تجارت
- ۴ - راجع بنمایشگاههای تجاری
- ۵ - قدغن موقتی از حمل و نقل اتمعه بخارج و از خارجه بداخله و اظهار نظر در تربید و اصلاح صادرات
- ۶ - اصلاح و ترقی وسائل حمل و نقل
- ۷ - تهیه وسائل توسعه و اصلاح امور صنعتی
- ۸ - امتیازات تجاری

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - این ماده ۲۶ تکلیفی است که متوجه میشود بوزارت اقتصاد ملی ولی نظر اصل دوم قانون اساسی بنده اینجا میخواهم به آقای وزیر امور خارجه عرض کنم که این ماده باید نظر خطاباً باشد یعنی چه؟ یعنی نظر طبایق و امرار شادی است ندامر الزامی همانجوری که در قانون اساسی هست که آزادی داده شده که مردم متوجه باشند بمصالح خودشان و مصالحی که دارند در روز نامجات منتشر کنند تا مجلس شورای ملی و اولیای دولت مطلع شوند و

قوانینیکه بمقتضای مصالح آنها است وضع کنند اینجا هم نظر این است نه اینکه تکلیف الزامی برای وزارت اقتصاد ملی باشد که حتماً باید رجوع کند لدی الاقضا در واقع امر ارشادی است که اگر وزارت اقتصاد ملی بر حسب نظر خودش یا بر حسب سیاست هیئت دولت بیک قانونی را مصاحبت دانسته است بدون اینکه کسب نظر از اطاق تجارت بکند حق دارد نه این که حتماً باید نظر اطاق تجارت جلب شود. بنده عقیده ندارم چرا؛ برای اینکه اگر مطابق قانون اساسی ما آن نظر را بگیریم آن نظر ارشادی است نه الزامی و جلب نظر کردن است اگر مردم مصالح خودشان را در روزنامهها اشرار دهند و متذکر نشوند ما که نماینده های ملت هستیم ما اگر بخواهیم طرح یک قانونی بکنیم نباید رجوع بمردم بکنیم ما اختیار داریم طرح قانون بکنیم و به مجلس می آوریم یا دولت خودش لایحه قانونی می آورد به مجلس نه این که ملزم باشد که از مردم هم جلب نظر بکند بنده در این ماده این را توضیح میدهم و یقین دارم آقای وزیر خارجه هم این را توضیح میدهند که اشتباه نشود که مجلس شورای ملی را ملزم بدانند که اگر قوانینی وضع می شود نسبت به تجارت یا زراعت یا فلاحت حتماً باید جلب نظر اطاق تجارت را بکنند. این راجع به اصل روح ماده راجع به اجرای ماده هم که خود آقای وزیر تصدیق دارند ایجاد محاکم در اطاقهای تجارت این معنی ندارد ما آمدیم تمام محاکم را برداشتم و منحصر کردیم به محاکم قضائی و قتیکه ما قوه قضائیه را مستقل دانستیم و بحمد الله موفق شدیم بانغاء کاپیتولاسیون تمام محاکم را تحویل بردیم و منحصر کردیم به محاکم قضائی دیگر محکمه تجارت و محکمه مالیه این معنی ندارد ما باید آقدر بروح بدهیم به قوه قضائیه که تا همین بران تمام افراد پیدا شود حالا ما بیاییم یک محکمه در اطاق تجارت درست کنیم مثل این است که ما بمحاکم قضائی خودمان استقلال ندادیم پس اگر هم یک نظریی داریم کلمه محکم ننویسید راجع به ایجاد کاپیتولاسیونهای تجاری یا هیئتهائی که دولت و وزارت اقتصاد ملی میتواند در اطاق تجاری طهران تشکیل

دهد و بالاخره لفظ محاکم نگوئید ما بایستی خیلی به الفاظ اهمیت بدهیم حالا میگویند لفظ اثر ندارد خیر لفظ اثر دارد ما را گیر می اندازند آن کسانی که هشیار هستند و در قوانین ما ناظرند ما می گوئیم محاکم مامستقل است محاکم ما کجا است؟ عدلیه است و البته اگر آقای وزیر اقتصاد این کلمه را تغییر بدهند بهتر است بنده پیشنهاد هم کرده ام راجع به ایجاد کمیسیون های تجاری در اطاق های تجارت ولی کلمه محاکم را بنده مخالفم دیگر آنکه تصدیق می فرمائید ما همان روحی را که به تجارت میدهم همان روح را ناچاریم بفلاحت بدهیم همینجوریکه شما توجه دارید که تجارت را روح بدهید بوسیله نمایشگاهها باید برای فلاحت هم همین کار را بکنید اهتمام ما باید بامر فلاحین ما باشد و خوب توجه بامر فلاحین بکنیم اگر یکقدری ما مسامحه بکنیم در امر فلاحین شاید یک ذنب لایغتری کرده باشیم این است که من دستور میکنم مجلس را و هیئت دولت را که تا اندازه که از برای ما ممکن است تقویت بکنیم راجع به امور فلاحی این است که عقیده دارم نوشته شود نمایشگاههای تجاری و فلاحی هم اضافه شود که اینهم یکی از متوفیات باشد و کم کم زنده شود.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - در قسمت اول فرمایشات آقا همینطوریکه فرمودند این کلمه لدی الاقضا که نوشته شده برای این است که مسلم و محرز باشد که این یک امر الزامی نیست برای دولت که در وضع قوانین راجع به تجارت و اقتصادیات حتماً باید باطاق تجارت مراجعه بکنند. البته بهتر این است که بکنند و شاید هم در همه موارد مراجعه بکنند ولی همینقدر خواستند معلوم باشد که الزامی نیست. در باب محاکم تجاری هم که فرمودند اولاً این جا بنده باید توضیح بدهم که بودن محکمه تجارت منافات با استقلال قضائی ما ندارد اکثر ممالک دنیا آنهایی هم که هیچ کاپیتولاسیون در آنجا نبوده و نیست و استقلال نام دارند محاکم تجارت دارند و محاکم تجارت هم در هر جا که باشد باز جزء وزارت عدلیه است جزء محاکم قضائی

است منتهی این است که بنده این را متوجه نبودم بواسطه اینکه این سه چهار سال گذشته در ایران نبودم که کاملاً از جریان عدلیه و قوانینی که برای عدلیه وضع شده یا نسخ شده مطلع بشم و این را این جا گذاشته بودم باعتبار اینکه ما سابقاً محاکم تجاری داشتیم و سابقاً هم که محاکم تجاری داشتیم نه من باب کاپیتولاسیون و ملاحظه عدم استقلال قضائی بود هیچ مربوط بخارجه نبود بلکه محاکمی بود فقط راجع به تجار داخله آنهم جزء وزارت عدلیه بوده تحت امر و قوانین وزارت عدلیه بود. حالا معلوم میشود از قراریکه بنده تذکر دادم (آقای یاسائی هم تذکر شدند) وزارت عدلیه چنین مقتضی دیده است که یک محاکم خاصی از برای تجارت نباشد خوب این یک مسئله دیگری است ممکن است مطابق اینطور باشد که تجار در امور تجاری وقتی مراجعه میکنند باید مثل وقتی که بنده محتاج میشوم بمراجعت بدهم محاکم عادی مراجعه میکنند آنها هم مراجعه بکنند اینجا در صورتیکه اینطور است و یقین باین دارند که محاکم تجاری مخصوصی نداریم آنوقت اساساً این قلمرو سوم باید حذف شود ولی میخواسته این را در نظر داشته باشند که مسئله محاکم تجارت و بودن آن هیچ ربطی به کاپیتولاسیون و استقلال قضائی ندارد ممکن است باز فردا نظر دولت این باشد که محاکم تجاری علیحده داشته باشیم که تجار در مراجعاتشان بانجا رجوع کنند و مجبور نباشند بمحاکم عادی رجوع کنند این را بنده اینجا عرض میکنم تا تشویشی از این راه نباشد و اما در باب نمایشگاه که فرمودید بنده مخالفتی ندارم با اینکه اضافه فرمائید که فلاحی را و نمایشگاه تجاری و فلاحی باشد ولی اگر این جا ننویسیم برای این است که اطاق تجارت را ما بیشتر همش را مصروف بمور تجارت میدانید و بعید میدانم که بکوقت اطاق تجارت راجع بفلاحت و نمایشگاه های فلاحی بیاید اظهار نظری بکنند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض بنده همان عرضی است که در آنجا کردم در این جا نوشته نظریات اطاق های تجارت مخصوصاً راجع

مسائل ذیل ادبی لافظ از طرف وزارت اقتصاد ملی خواسته میشود. بنده عقیده دارم این جا اضافه شود طاق تجارت مکلف است نظریات خودش را در مسائل ذیل بدوالت پیشنهاد نماید عبارت طوری نوشته شود که اطاق تجارت مکلف باشد.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - این همان ماده ۲۵ است و برای این نوشته شده است که وظائف اطاق تجارت را تعیین میکنند یعنی آن کارهایی که باید بکنند در قسمت اول هم اعتراض فرمودند و بنده توضیح داده وظیفه است تکلیف است از برای اطاق تجارت که هرگاه دولت خواست نظریات خودش را بدوالت بدهد خودش هم اگر نظریاتی داشته باشد بدهد اینماده راجع بدوالت است در واقع تکلیفی است بر دولت منتهی بطوریکه آقای آقا سید یعقوب تذکر دادند و بنده هم توضیح داده الزام نیست اما به یک نحو ارشادی تکلیف بر دولت است. خواسته اند که در اینماده نموده شود که در این موارد بهتر این است که وزارت اقتصاد ملی رقی میخواهد یک کاری بکنند باطاق تجارت مراجعه کنند منتهی البته اگر بوقت هم مصلحت ندانند نکنند تذکر دادند.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - عرض کنم که سابقاً در اغلب شهرهای ایران محکمه تجارت تشکیل میشد و همان محاکم ابتدائی هر وقت کار تجارتنی پیدا میشد مطابق قوانین تجارتی رسیدگی میکرد محکمه خصم صی باسم محکمه تجارت در اغلب شهرها نبود. فقط در مرکز یک محکمه باسم محکمه تجارت بود. اخیراً در کمیسیون عدلیه که بنده هم عضویت داشتم اینطور قرار شد که مرکز هم مثل ولایات باشد محکمه تجارت هم مثل محکمه ابتدائی جزو محاکم بدایت باشد هر وقت کار تجارتنی هست مطابق قوانین تجارت رفتار کنند چون آقای وزیر خودشان قبول فرمودند که این فقره حذف شود بنده هم این پیشنهاد را کرده بودم که این فقره از اینماده حذف شود.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود
پیشنهاد آقای مؤید احمدی

بنده پیشنهاد میکنم فقره ۳ از ماده ۲۶ حذف شود
پیشنهاد آقای سید

مقدمه محترمه ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم فقره سه ماده ۲۶ حذف شود

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۶ جزو سوم عوض محاکم نوشته شود کمیسیونهای تجارتنی الح و در جزء چهارم بعد از کلمه تجارتنی (فلاحتی)

رئیس - ماده ۲۷ خوانده میشود

ماده ۲۷ - رأی اطاق های تجارت مشورتی و از لحاظ صلاح اندیشی است و دولت در اجرای تصمیمات اطاقهای تجارت همیشه مخیر میباشد مطالبی که دولت بانها رجوع میکند اگر مربوط بمنافع محلی است فقط باطاق تجارت آن محل و اگر تمام المنفعه است از تمام اطاق های تجارت استشاره میشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا هم باز نظر اصلاحی است با آقای وزیر هم عرض کردم این کلمه مخیر خیلی عبارت چیزی است یعنی موافق با عبارتهائی است که در این مواد است ولی بنده اصولاً معتمد که تبدیل به آزاد است شود در اینجا نوشته: رأی اطاق تجارت مشورتی و از لحاظ صلاح اندیشی است و دولت در اصول تصمیمات اطاق های تجارت همیشه مخیر میباشد و آقای مخیر را توجه میدهم بزین که باز این جا مینویسد: مطالبی که دولت بانها رجوع میکند اگر مربوط بمنافع محلی است فقط باطاق تجارت آن محل و اگر تمام المنفعه است از تمام اطاقهای تجارت استشاره میشود این هیچ ربطی باین ماده ندارد و عقیده ام اینست که این را هم یک ماده علیحده کنید این قسمت آزاد است که تمام شد بعد در یک ماده علیحده در ماده ۲۸ نوشته شود مطالبی که دولت بانها رجوع

میکند الی آخر آن هم دیگر بنده اطاقهای تجارت نباشد اینها دیگر مثل ما که وکیل طهران هستیم وکیل تمام ایرانیم نیستند اینها وکیل تجارت کیلان هستند دیگر نباید بامور تجارتنی طهران رسیدگی کنند و نباید مداخله کنند در تمام تجارت ایران هر کس نظرش بحدود خودش است و مشورتش مربوط بانجا است اینست که بنده پیشنهاد کرده از آن عبارت مطالبی که دولت الی آخر ماده از اینجا مجزی شود و ماده علیحده گردد و آن کلمه مخیر هم تبدیل به آزاد شود

رئیس - آقای فیروز آبادی بفرمائید

فیروز آبادی - بنده نظرم بر خلاف نظریه اینست که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اینجا نوشته است: رأی اطاق تجارت مشورتی و از لحاظ صلاح اندیشی است و دولت در اجرای تصمیمات اطاقهای تجارت همیشه مخیر میباشد مطالبی را که دولت بانها رجوع میکند فلان الی آخر در اینجا بعقیده بنده اطاقهای تجارت دیگری نتیجه میشود بجهت اینکه اطاق تجارت خودش حق ندارد بگوید که این مطلب باید باشد یا نباشد فقط باید به نشینند و فکر کنند اگر مطالبی خواست بدوالت بگویند خواست دولت هم اگر میخواهد میکند نمیخواهد نمی کند و بنده می بینم اگر اینطور باشد کار اطاق تجارت چندان نتیجه ندارد و اختیار با خود دولت بوده و هست باین ملاحظه بنده عقیده ام این است که اطاق تجارت بیشتر از این بهش اهمیت داده شود که یک حق رأی و حق کاری هم داشته باشد و الا اگر اینطور باشد که موافق میل دولت اگر شد قبول کند نشد قبول نکند مثل حالا می شود و بی نتیجه بنظر می آید باین ملاحظه بنده مخالفم.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - عرض کنم فلسفه اطاق تجارت اینست که وزارت اقتصاد خودش را محتاج دانسته است که در امور تجارت با تجار مشورت کند وجد تسمیه اش را اینطور دانسته ایم که اینمؤسسه را داشته باشیم که هر وقت محتاج میشویم در امور تجارتنی با تجار

مشورت کنیم بتوانیم اما اینکه حالا میفرماید بشتر رأی تجارتنی فدائی بیست الزامی برای دولت باشد که حرف اطاق تجارت را حتماً بپذیرد و همان را بکنند اینرا گمان میکنم تصدیق بفرمایند که نمیشود اینکار را کرد بعلاوه خود تجار هم وظیفی بین امن نیستند زیرا مسئولیت را متوجه آنها میکنند. مسأولیت را از گردن دولت بر میدارند و متوجه آنها میکنند

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۷ عین کلمه مخیر تبدیل شود بکلمه آزاد و از کلمه مطالبی الی آخر ماده علیحده شود
رئیس - ماده ۲۸ قرائت میشود:

ماده ۲۸ - بودجه اطاقهای تجارت از منابعی ذیل تأمین میشود:

- ۱ - عوارضی که بنده اطاق تجارت از تجار گرفته خواهد شد و آن معادل است با صدی نهم مالیاتی که هر تاجر بعنوان جواز بدوالت میدهد
- ۲ - حق الزحمه که اطاقهای تجارت در مقابله تجار خدمات معینه با تصویب دولت اخذ میکنند
- ۳ - منافع مؤسسه ای از قبیل مجله و نشر آن که اطاق تجارت تأسیس نماید
- ۴ - وجهی که اعضاء اطاق تجارت به سایر تجار بطور دلخواه باطاق تجارت میپردازند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده این جامی بینم در این ماده باز یک عوارضی بتجارت دارد بسته میشود و این عوارضی که بسته میشود اول سهل و کوچک و بی ناه است بعد کم کم اسباب زحمت میشود بی اگر تجار انشاء الله بعد ها صاحب ثروت شدند و تجارت ما رواج پیدا کند اهمیت ندارد اما با وضعیات فعلی و امروزه و با آن مالیاتی که از بابت حق جواز اینها ما تصویب کردیم گرفته شود بنده دیگر مقتضی میدانم که یک مالیاتی هم امروزه بعنوان اطاق تجارت از آنها بگیریم. دیگر اینکه این جا

نوشته معادل صدی نیم مالیاتی که هر تاجر بعنوان جواز بدوات میدهد. اولاً در اصالت عقیده ندارم. در نظر گرفتنش هم نمیدانم صدی نیم از چه گرفته میشود؟ از مقدار تجارته است که او می کند؟ از مقدار منفعی است که او می کند؟ از مقدار سرمایه است؟ از مقدار داد و ستدی است که او دارد؟ از مقدار چه چیز صدی نیم گرفته میشود؟ بنده این را نفهمیدم. در فقره دوم میگوید: حق الزحمه که اطافهای تجارت در مقابل انجام خدمات معینه با تصویب دولت اخذ می نمایند. یعنی مثلاً کار تجار را اصلاح می کنند و ده یک و ده نیم میگیرند؟ از این با آنها است؟ پس با تصویب دولت معنایش چه است؟ با امضای مجلس است؟ بدون امضای مجلس است؟ چون بنده این ترتیبات را نفهمیدم و نمیدانم میخواهم توضیح داده شود که ملتفت این مطالب بشوم.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - عرض کنم در باب عوارضی که فرمودند مخالفند حالا اگر اسناد ایشان با عوارضی که از تاجر گرفته میشود مخالف باشند البته لابد این را هم باید مخالفت کنند ولیکن آن اعتراضی که فرمودند و تردید و تشکیک فرمودند که این صدی نیم از چه گرفته می شود. این واضح است اگر مراجعه بقانون مالیات تجار که اخیراً وضع شده است بفهمائید آنجا ملاحظه می کنید که یک جوازی برای تاجر مقرر شده است که هر کس بخواهد تجارت کند باید جواز داشته باشد. جواز هم درجات دارد. اول و دوم و سوم درجات معلومی است که از اول سال تا آخر سال سالی صد تومان صد و پنجاه تومان یا دو صد تومان باید بدهد از برای آن جواز. این جا که هیچ شبهه در کار نیست و آن مالیات جواز را هم مأمورین مالیه میگیرند این جا گفته شده است...

فیروز آبادی - مثلاً دو صد تومان یکتومان؟
(صدای زنگ رئیس)

کفیل وزارت اقتصاد ملی - از دو صد تومان یکتومان آن کسیکه دو صد تومان بدوات مالیات میدهد یکتومان هم برای خاطر اطاق تجارت خواهد داد. اولاً این چیز خیلی خفیفی است

یک کسی که دو صد تومان مالیات میدهد دو صد و یک تومان را بطور خوبی خواهد داد و کمان می کنم خود تجار هم اساساً راضی هستند باین مسئله برای اینکه اطاق تجارت یک مؤسسه است که از برای خود تجار و تجارت مملکت نافع است و یک مخارج مختصری هم در سال دارد که از یک راهی باید آن را تأمین کرد و بهترین راهش هم همین است و اما در خصوص حق الزحمه که فرمودید اطاق تجارت یک اطاقی است که یقین دارم بنده خیالی محل رجوع مردم خواهد شد یعنی حوائجی خواهند داشت از قید مشاوره تحقیقات - کسب اطلاعات که مراجعه می کنند باطاق تجارت و خواهش میکنند از اطاق تجارت که ما فلان حاجت را داریم فلان اطلاع یا فلان نظر یا فلان مصلحت را بمان بدهید و البته اطاق تجارت چه اعضایش و چه خردش یک مردمان بی کاری نیستند اگر نباشد خیلی مراجعات از این جهت دارد. چه ضرر دارد که اطاق تجارت بگردد اگر کسی از من یک چنین خدماتی می خواهد که من برایش انجام بدهم یک حق الزحمه هم بمن بدهد و آن حق الزحمه را هم ما بنظر اطاق تجارت گذاشتیم با مشوره و موافقت دولت گذاشتیم که اجحاف نکنند. البته هم نمی کنند ولی باز احتیاط این است که این حق الزحمه را که اطاق تجارت باعتبار اطاق تجارت میگیرد با موافقت دولت باشد اگر از اشخاص چیزی بخواهند البته در مقابل زحمتی که بر او تحمل می کنند آن حق الزحمه از برای شخص خودش است اما اگر از خود اطاق تجارت باشد یعنی یک کسی یک کاری را میخواهد یا یک رائی یک نظری یک مشورتی می خواهد که اعتبار اطاق تجارت روی آن باشد البته آن حق الزحمه را حقش این است که باطاق تجارت داده شود اطاق تجارت هم چه میکند؟ البته صرف مصارف و مخارجی که دارد میکند دیگر گویا چیزی فرمودند؟

فیروز آبادی - غیر...
رئیس - ماده ۲۹ قرائت میشود.
ماده ۲۹ - هر اطاق تجارت بودجه عایدات و مخارج

خود را از حقوق اعضاء و اجزاء و کرایه محل و مخارج مؤسسات تابعه و غیره تنظیم نموده و پس از تصویب وزارت اقتصاد ملی اعلام و بموقع اجرا می گذارد
رئیس - مخالفی ندارد ماده سی قرائت میشود:
ماده ۳۰ - اطافهای تجارت می توانند پس از وضع مخارج مصوبه هزاد عایدات مختلفه خود را برای مخارج فوق العاده ویدش بینی نشده ذخیره نمایند.

رئیس - ماده سی و یکم.
ماده ۳۱ - اطافهای تجارت بوسیله جرائد یا لوائح و مجلات مخصوص بخود صورت کامل مذاکرات جلسات خودش و به خلاصه از آن را برای اطلاع عامه منتشر مینمایند بعلاوه در آخر هر سال منتهی تا دو ماه از سال بعد گذشته راپرت عملیات و وضعیات مزاد و صورت خلاصه عایدات و مخارج خود را نیز باید بطالع عموم برساند فقط مطالبی که از طرف دولت و بخود اطاق تجارت مکتوم بودن آنها لازم دانسته شود انتشار نمی یابد

رئیس - مخالفی ندارد؛ (گفته شد - خیر) ماده سی و دوم قرائت میشود:
ماده ۳۲ - ترتیب انتخاب هیئت رئیسه و وظایف آنها حضور و غیاب اعضاء و عدم جلسات و غیره در ضمن نظام نامه مخصوص از طرف وزارت اقتصاد ملی تعیین خواهد شد.

رئیس - ماده سی و سوم:
ماده ۳۳ - اطافهای تجارت در مسائل سیاسی حق دخالت و مذاکره ندارند.

رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - این جا بنده یک توضیحی می خواستم عرض کنم که سابق مگر حق دخالت اطاق تجارت در امور سیاست داشت؟ یا اینکه توهمی میرفت که آنها حق دخالت در سیاست را داشته باشند که این جا منع شده است؟ محل توهم نیست که آنها دخالت در سیاست دارند یا ندارند که در این ماده ما حق دخالت در سیاست را از آنها سلب

می کنیم. بین ملاحظه بنده کمان می کنم این ماده زیادی است.

کفل وزارت اقتصاد ملی - احتیاطی است اقا ما کردیم بجهت اینکه شاید یک وقتی تجاری که انتخاب میشوند برای اطاق تجارت خیلی دماغ سیاسی داشته باشند و بخواهند مداخله در امور سیاسی بکنند بین ملاحظه بوده است که نوشته شده فقط به امور تجارته رسیدگی کنند

رئیس - ماده سی و چهارم:
ماده ۳۴ - اطافهای تجارت میتوانند در مسائلی که مربوط بوظایف آنها میشود برای کسب اطلاع مستقیم به وزارت خنده ها و ادارات دولتی مکاتبه نمایند لیکن راپرتهای سیاسی اطافهای تجارت و پیشنهاد و نظریات آنها نسبت بمسائل مختلفه اقتصادی و همچنین صورت جمع و خرج آنها منحصرأ باید بوزارت اقتصاد ملی ارسال شود
رئیس - ماده سی و پنجم:

ماده ۳۵ - دولت میتواند بر حسب پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی هر یک از اطافهای تجارت را منحل نماید مشروط بر اینکه بلافاصله اعلان تجدید انتخابت و منتشر و منتهی در ظرف سه ماه از تاریخ اعلان انحلال اطاق تجارت جدید را مفتوح سازد.

در مدت انحلال هر یک از اطافهای تجارت نگهداری آرشیه انانیه و ذرائع اطاق مزبور بعهده وزارت اقتصاد ملی است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - اینجا خود آقای کفیل مجتهد توجه داشته اند که نظریات بنده نسبت باطاق تجارت چه اندازه موافق بوده سیاست دولت و کاملاً هم موافق هست ولی در این ماده ۳۵ یک اختیاری داده شده است برای انحلال اطاق تجارت بطور مطلق بنده باین مخالفم اگر نظر حضرت اشرف باشد قانون اساسی نسبت بانحلال مجلس شورای ملی یک شرایطی دارد. هر مؤسسه هر چیزی که قانوناً وضع و واقع شد فوراً بیک اختیار مطلق یعنی بنده عقیده ندارم فوراً رای بدهیم بیک پیشنهاد او منحل شود مثلاً بلدییه را

بعد از آنکه ماقانونی کردیم اگر بخواهد منحل شود بمجرد پیشنهاد وزیر داخله هیچ عقیده ندارم حالا اطاق تجارت هم گرچه روح مطالبش را ما بدست وزارت اقتصاد داده‌ایم در خرج هم خودتان مواظب بودید بنده کاملاً با شما موافق بودم که اقتصاد را باید کاملاً دولت درش نظر داشته باشد و چاره هم ندارد اما اینکه هر وقت وزارت اقتصاد ملی بخواهد اطاق تجارت را منحل کند بنده مخالفم مگر اینکه خودتان توضیح بدهید این نه اینست که هر وقت بخواهیم بگوئیم در فلان اداره تجارت یا در فلان شعبه اش يك را برتی می‌آید از آنجا بفلان رئیس از آنجا بمدير يك دفعه اطاق تجارت پس يك شرایطی خودتان با آن صلاح اندیشی و علاقه مندی که بمؤسسات ملی دارید توجه داشته باشید و در تحت يك شرایطی باید بنویسیم انحلال پیدا میکند نه بمجرد اینکه وزارت اقتصاد ملی پیشنهاد کرد. پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی باید شرایط داشته باشد باین شرط به تخلف کردن به مداخله کردن در امور سیاست يك چیزی که ضرر اساسی از برای ملك و ملت داشته باشد و الا بمجرد این بنده مخالفم

کفیل وزارت اقتصاد ملی - اولاً توجه میدهم خاطر آقا را باینکه این مفاد و مضراتی که برای انحلال مجلس شورای ملی یا از این که يك قدری بسالین تر بیائیم مجالس ملی دیگر از قبیل انجمنهای بلدی، ایالتی، ولایتی می‌توان تصور کرد نسبت باطاق تجارت نیست بجهت اینکه مجالس ملی از قبیل مجلس شورای ملی مجلس بلدیها در واقع يك مؤسسات ملی هستند حافظ حقوق ملت هستند نماینده ملت هستند انتخاب آنها را هم ملت میکند این را بکلی بدولت واگذار کردن کار صحیحی نیست هر چند که در ممالک دیگر اینهم هست و غالباً در قوانین اساسی دول اگر ملاحظه فرمائید دولت حق منحل کردن مجلس را دارد منتهی همینطور که ما از برای اطاق تجارت قید کردیم مکلف است باینکه این مجلس را که منحل میکند اعلان انتخابات مجلس دیگری را بدهد و مجلس را هر قدر میل

دارد تعطیل نکند حالا گذشته از اینکه این حق را نسبت بمجالس هم دادن ضرر ندارد با شرط و قید اینکه تجدید انتخاب شود بطریق اولی نسبت باطاق تجارت که يك همچو حیثیات مجالس ملی را ندارد هیچ ضرر ندارد و البته تصدیق می‌فرمائید که منحل کردن اطاق تجارت يك امری نیست که هر روز وزیر اقتصاد ملی یا دولت هوس کند که اطاق تجارت را منحل کند بجهت زحمت از برای خودش درست کند يك زحمتی است انتخابات و لوائیکه انتخابات اطاق تجارت خیلی زیاد این تأثیر را ندارد معذک هم خرج دارد هم زحمت دارد برای اولیای امور و این چیزی نیست که هر روز این خرج و زحمت را تحمل کنند و هر روز دولت و وزیر اقتصاد ملی اطاق تجارت را منحل کنند البته وقتی يك اطاق تجارتي را منحل می کنند يك نظری دارند و اما شرایطی که فرمودند بلی اگر ممکن بود یعنی عیب نداشت که ما يك چیزهایی را ذکر کنیم که باین دلیل به آن دلیل و از این گذشته بالاتر از او ذکرش شاید آقدر اشکال نداشته باشد ولی در موقع استدلال کردن انحلال اطاق تجارت را اگر محظورات نداشت به علل مخصوصه شاید میکردیم و لیکن اولاً این محظورات در کار هست ثانیاً اگر خوب توجه فرمائید حاجت نیست ملاحظه فرمائید وزیر اقتصاد ملی که در هیئت دولت عنوان میکند پیشنهاد میکند که من تقاضا میکنم دولت اطاق تجارت فلان محل را منحل کند خوب بی دلیل که نمی‌تواند بکند هیئت دولت هم آنجا نشستند که هر وزیری هر چه گفت هر تقاضائی از دولت کرد بی دلیل قبول کند لابد دلیل می‌آورد آن دلایلی که می‌آورد اگر هیئت دولت را قانع کرد دولت قبول میکند اگر نکرد نمیکند اینجا برای جریان امور عرض میکنم که خاطراتان مسبق باشد در سر این کار در سر همه این اموری که پیش می‌آید وزراء در هیئت دولت عنوان میکنند و ممکن است در اموری که پیشنهاد میکنند يك مواردی را دولت تصویب نمیکند تقاضائی را که وزیر کرده منتهی این است که يك وقتی است که وزیر می‌بیند تقاضائی که میکند در نظر او خیلی

اهمیت دارد او جدیت میکند و در اینجا هیئت دولت می‌بیند که اگر خیر واقفاً تقاضائی که وزیر دارد بیجا است و هوسرانی است رد میکند و قبول نمیکند و وزیر استعفا میدهد میرود پی کارش و اگر بهیند خیر وزیر حق دارد و این قدر امر مهم نیست که با او مخالفت کنند او را مجبور باستعفا کنند موافقت میکنند این موضوع آقدر مهم نیست که بگوئیم باید دقت شود و يك شرایطی برایش معین شود.

رئیس - ماده سی و ششم قرائت میشود:

ماده ۳۶ - وزارت اقتصاد ملی مأمور اجرای این قانون است.

رئیس - مخالفی نیست. رای میگیریم بورود درشور ثانی موافقین قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

[۳ - شور اول خبر کمیسیون داخله راجع باستخدام افراد نظمی]

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع باستخدام اعضاء نظمی مطرح است. شور اول و مذاکره در کلیات است.

آقاسید یعقوب - مخالفی ندارد.

رئیس - رای میگیریم بورود در شور مواد موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول:

ماده ۱ - افراد وردیف افراد نظمی جزء مستخدمین رسمی دولت محسوب خواهند بود.

تبصره ۱ - افراد عبارند از مأمورین پلیس انتظامی و ردیف افراد از مأمورین پلیس تأمیناتی و حقوق هر دو قسمت در هر سال مطابق بودجه مصوب تشکیلات نظمی تأدیبه خواهد شد.

تبصره ۲ مستخدمین جزء نظمی (پیشخدمت و سرایدار و امثال آن) تابع مقرراتی خواهند بود که برای مستخدمین جزء سایر وزارتخانه‌ها مدون است

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده خیلی اظهار خوشوقتی میکنم

از اینکه وزیر محترم داخله موفق شد که این لایحه قانونی را از برای مستخدمین ما که افراد نظمی باشند بیاورد و خیلی من مایل بودم حقیقه که در دوره که در مجلس بودم يك خدمتی باین مؤسسه هم بشود مؤسسه نظمی حالا هر چه میگویند بگویند تصدیق میکنم و حقیقه هر کس دارای يك انصافی باشد که يك مؤسسه جدیدی است و این مؤسسه جدید بطور خوبی از عهده کارش برآمده است و کاملاً محل اطمینان دولت و ملت است و حقیقه من خرسند و خوشحالم که می بینم افراد پلیس ما با آنکه مدتها از عمر آنها نگذشته شاید بیست سال بیشتر نیست که مؤسسه نظمی در مملکت ما دایر گشته است باندازه مرتب و منظم و حفظ حقوق باین اندازه که حقیقه برای مؤسسه جدید است میکنند مخصوصاً راجع به تشکیلات تأمینات خیلی محل خوشوقتی است از برای بنده خیلی خوشم می‌آید و خیلی امیدوار هستم با اینکه جدید است روز بروز بر ترقی او افزوده شود و همه میدانند که بهترین مملکت مملکتی است که نظمیهاش بهترین نظمیها باشد و در ممالک متمدنه هر جا که نظمیهاش محکمتر است آن ملت اطمینانش بیشتر است و امنیتش از هر جهت محکمتر است هر چه ما تقویت بکنیم بروح نظمی بتأمینات تقویت کرده ایم از این جهت دولت آمده است از افراد نظمی که متحمل این زحمات میشوند حق شناسی کرده است و آنها را خواسته است داخل در مستخدمین رسمی قبول کند کاملاً بنده موافقم يك پلیس يك آزائی زحمت میکشد شب و روز در سر خدمت است بعد از آنکه پیرشد یا ناخوش شد یا فلان شد باو بگویند برو سلامت این معنی ندارد کسی که شب و روز وقت خودش را صرف خدمت و تأمین کرده است باز خیلی خوب کرده اند اینها را داخل در مستخدمین رسمی کرده اند ولی بنده این را با آقای مخبر و آقای وزیر عرض میکنم برای خاطر توافق ما بین این دو قانون قانون استخدام کشوری مستخدمین رسمی را نسبت ببودجه شان در ماده ۱۶

است یا ۱۵ (توانستم نگاه کنم وقت پیدا نکردم) در آنجا راجع به اشل معین کرده اند بنده خواستم توجه بدهم و الا عرض کردم با وضع قانون موافقم و هر چه عرض میکنم برای اصلاح قانون و تقویت کردن روح نظامنامه است اینجا آمده است راجع باشل حقوق آنها طریق دیگری وضع کرده است و مطابق قانون اساسی حقی است که قانون اساسی بمجلس داده است بودجه در دست مجلس است نهایت وزیر پیشنهاد میکند مؤسسه نظمی پیشنهاد میکنند به وزیر داخله وزیر داخله پیشنهاد میکند بمجلس میبرد در کمیسیون بودجه کمیسیون بودجه معین میکنند اما حق را ما باید ادا کنیم در اینجا نوشته است که افراد و ردیف افراد جزء مستخدمین رسمی دولت هستند این بر میگردد بقانون استخدام فعلی که مستخدمین رسمی میشوند مستخدمین رسمی که شدند مطابق قانون استخدام کشوری باید حد اقل اشل استخدام آنها را سال بسال بر حسب پیشنهاد نظمی به وزارت داخله و وزارت داخله بمجلس بیورد و درست شود تا اینکه قانون ما مطابق باشد با اینکه ما بگوئیم با افراد نظمی که شما مستخدم رسمی هستید نه اینکه بگوئیم اشل در دست دیگری است خیر بنده میل دارم بنده یارفقای من یا اخلاف ما که بعد می خواهند حق گذاری برای نظمی بکنند اشل در دست دیگری باشد مطابق قانون استخدام اشل مستخدمین در دست مجلس است این ماده را این جا بیآوریم. این جا نوشته شود افراد و ردیف افراد نظمی جزء مستخدمین رسمی دولت محسوب خواهند شد و حقوق آنها مطابق ماده شانزده قانون استخدام کشوری معین میشود. اگر بخوانند حقیقه روح بدهند با افراد نظمی اینطور است این است عقیده بنده و اصلاحش را هم اگر قبول می کنند بکنند و الا پیشنهاد می کنم.

وثوق (مخبر کمیسیون داخله) - این بیاناتی که فرمودید راجع باینکه افراد و ردیف افراد نظمی جزو مستخدمین رسمی هستند این معنایی را که فرمودید مقصود نیست. اگر ماده ششم این قانون را می خوانید

ماده ششم تطبیق کرده است خدمات آنها را با درجانی که دارند مثل وکیل درجه سوم وکیل درجه دوم وکیل درجه اول و مقصود از این ماده این بوده است که افراد پلیس بتوانند از قانون استخدام از حیث تعارض و چیز های دیگری استفاده کنند نه اینکه مطابق قانون استخدام باشد اگر اینطور بود يك ماده علیحده می آوردند و جزو سایر مستخدمین محسوبشان میکردند. باین جهت است که اینطور پیشنهاد شده است

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده ۲ - داوطلبان باید دارای شرایط ذیل باشند:

الف - تبعیت ایران
ب - عدم محکومیت بقیام و اقدام بر علیه حکومت ملی
ج - عدم محکومیت بجنایت و همچنین جنحه که مستلزم محرومیت از حق استخدام دولتی باشد
د - عدم معروفیت بفساد عقیده و اخلاق
ه - معتاد بودن ب استعمال افیون و الکل
و - مبتلا بودن با عراض مسریه
ز - سن داوطلبان پلیس انتظامی کمتر از ۲۲ سال و زید تر از ۳۵ سال و سن مأمورین پلیس تأمیناتی کمتر از ۲۵ و زید تر از ۳۵ سال نباشد
ح - داشتن بنیه قوی و صحت مزاج
ط - قد مأمورین پلیس انتظامی کمتر از یک متری ۶۴ صدم نباشد
ی - نسبت بمأمورین پلیس تأمیناتی دارا بودن تصدیق تحصیلات شش ساله ابتدائی یا دادن امتحان موادی که برای آن معین شده است

تبصره - داوطلبانی که دوره نظام و وظیفه را بپایان رسانیده اند نسبت بسازین حق اولویت خواهند داشت و در موقع لزوم استخدام افراد و ردیف افراد اداره تشکیلات نظمی از نظام وظیفه داو طلب خواهند خواست.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده تا چارم ماده دوم را شرح

بدهم که بعد آقای مخبر يك جوابی ندهند که خارج از موضوع است. بنده نگفتم که اشل سی و دو تومان باشد بنده گفتم وقتی مستخدم رسمی واقع شد باید اشل را مجلس شورای ملی معین کند نگفتم که همان اشل وزارتخانهها باشد چرا در عرض من توجه نمی فرمائید؟ بنده میگویم وقتی که مستخدم رسمی شد مستخدم رسمی اشلش دست مجلس است بنده میل ندارم اینطور قانون از مجلس بیرون برود. این قانون استخدام کشوری است آقایان گوش نمیدهند بعرض بنده آنوقت میگویند فلان شما گفتید مستخدم رسمی آنوقت اشلش دست دیگری است مستخدم رسمی که واقع شد باید اشلش دست مجلس باشد عمه ما قسم خورده ایم بقانون اما آمدید سر این ماده در اینجا خود آقایان از عقاید بنده نسبت با افراد نظمی مستحضر شدند در ممالک دیگر افراد پلیس را بدر بزرگ میگویند اینقدر عواطف مابین ملت و افسران ملت است قهراً این مسئله را که ما میگوئیم معذرتش باید در ایران واقع شود. سن ۲۲ سال هم بعقیده بنده کم است سن پلیس تأمیناتی ۲۵ سال بنده مخالفم بنده عقیده ای اینست که روابط مابین خودمان و قوای تأمینیه مان روابط مثل مابین روح و جسد است خود بیست و دو ساله بودیم در دیوار جنگ داشتیم حالا شما می فرمائید که ما خیلی نجیب بودیم بنده اینطور نبوده ۲۲ سال آن حرارت جوانی با انتظامات باملایمت با رعوفت بنده عقیده ندارم عقیده ام این است که پلیس انتظامی ما سی سال باشد و پلیس تأمیناتی سی و پنجسال تا چهل سال از سی و پنجسال کمتر نباشد. حالا آقای یاسائی يك عقیده دارد و میگوید باید ریشدار نباشد و تمام جوانهای پانزده ساله باشند این يك عقیده ایست اما تصدیق میفرمائید که اگر مستخدمین قوه تأمینیه مان بیش از سی داشته باشند پیشنهاد هم می کنم پلیس تأمینات هم از سی و پنج سال بالایا از این جهت روح تأمیناتی کمتر از این را بنده عقیده ندارم نهایت اطمینان و اعتقاد را من با افراد نظمی دارم و ما باید در این راه بکوشیم و این روح اطمینان و اعتقاد را تقویت بکنیم و هر چه این روح

تر است این است که بنده پیشنهاد میکنم پلیس انتظامی از ۳۰ سال کمتر نباشد و پلیس تأمیناتی از ۳۵ سال

وزیر داخله (آقای سیدی) - عرض میکنم بنده اولاً میخواهم از احساسات آقای آقا سید یعقوب تشکر بکنم که نسبت به نظمی اینطور حسن عقیده دارند و البته اینطور است و نظمی یکی از مؤسسان است که کاملاً بوظایف خودش رفتار کرده است اما راجع به سن که میفرمائید عرض میکنم آنرا باید بهمین سن انتخاب شود زیرا اگر سنش بیشتر از این باشد باید اقرار بفرمائید که هیچ معتقد نخواهند بود باینکه آنرا بفرماندهش برای اینکه اگر ما آنرا را از سی سالگی بگیریم و مستخدمین نظمی را از سی و پنج سال بگیریم و در آن سن وارد خدمت بشوند دیگر آنوقت ملذکت از وجود او بفرمانده نخواهد شد بعلاوه با این شرایطی که در اینجا قید شده که مستخدمین باید انتخاب شوند مساوی با اشخاصی انتخاب خواهد شد متصف بصفات حمیده باشند و آن خیالاتیکه تصور میفرمائید البته نیست و این سن ابتدای جوانیشان است که از وجودشان میتوان استفاده کرد و مدتهم برای خدمت آنها و بهر مندی از خدمت خودشان دارند و هیچ مورد نگرانی نیست

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

ماده ۳ - ابتدای مدت خدمت مأمورین پلیس انتظامی و پلیس تأمیناتی پس از طی دوره سه ماهه تعلیمات اختصاصی مدرسه نظمی خواهد بود

رئیس - ماده چهارم

ماده ۴ - افرادی که بخدمت نظمی داخل میشوند باید بر طبق ماده ۷ قانون استخدام کشوری قسم یاد نمایند

رئیس - ماده پنجم

ماده ۵ - افراد و ردیف افراد در موقع ورود بخدمت باید ورقه تعهدنامه دائر بر اینکه تا مدت سه سال حق استعفا از خدمت را نخواهند داشت امضاء و تسلیم نمایند

و چنانچه در ظرف یکماه پس از انقضای مدت سه سال تقاضای معافیت از خدمت نمودند تا مدت سه سال دیگر حق استعفا نخواهد داشت و اداره نظمی نیز مکلف است در ظرف مدت یکماه مزبور ورقه تعهد نامه برای سه سال دیگر از آنها دریافت دارد

تبصره - مأمورینیکه بخدمت پذیرفته میشوند در صورتیکه از عهده انجام خدمت محوله بر نیامد یا ابراز عدم لیاقت نمایند از خدمت نظمی اخراج خواهند شد

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - نظر بنده در قسمت تبصره ماده ۵ است که مینویسد « افراد در صورتیکه ابراز عدم لیاقت نمایند از خدمت نظمی اخراج خواهند شد در ماده ۱ مینویسد که اینها مستخدم رسمی دولتند در اینصورت وزارت داخله باین افرادیکه اخراج میکنند چه معامله خواهد کرد اینها اگر مستخدم رسمی هستند با آنها حقوق انتظار خدمت یا تقاعد خواهد داد یا آنها را اخراج میکند و میروند بی کار خودشان انوقت چه صورتی پیدا خواهد کرد این ماده با آن ماده به عقیده بنده تناقض پیدا میکند

وزیر داخله - البته نماینده محترم تصدیق میفرمایند که شکل و نوع خدمت نظمی غیر از آن است که در سایر وزارت خانهها معمول است بنا بر این اگر يك کسی پیدا شود که از عهده انجام وظیفه خودش بر نیاید این دیگر از مزایای استخدام کشوری بهر مند نخواهد شد و اخراج میشود

رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - اینجا در ماده نوشته است تا سه سال حق استعفا ندارند سال اول خوب يك چیزی است نظمی اشخاصی را میگیرند و آنها را تا سه ماه در مدرسه میکذارند و مخارجی متحمل میشود و لابد باید تا سه سال از وجود آنها استفاده کنند از اینجهت حق استعفاء در ظرف سه سال اول را ندارند اما بعد از سه سال اول نوشته در ظرف یکماه پس از انقضای مدت سه سال این قسمت را بنده عقیده ندارم بجهت اینکه اسباب زحمت این بی

این است که قبول کرده و دیگر تاسه سال دیگر نمیتواند استعفاء بدهد و ورقه تعهد را در همان ماه اول بدهد چرا در ماه چهارم و پنجم بدهد که اسباب زحمت بخرج برای دولت فراهم شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده از جوابی که آقای وزیر با کدام يك از آقایان بودند میدانم بقای اعتبار دادند قانع نشدم مگر اینکه ما در اینجا يك تبصره زیاد کنیم و يك مدتی را از برای امتحان در خدمت قرار بدهیم یعنی این افرادیکه پذیرفته میشوند يك موعده مدت امتحانشان است از اول که اینها وارد خدمت میشوند جزو مستخدمین رسمی هستند و قواعد و آثار مستخدمین رسمی قهراً باید برایشان مترتب شود پس این دیگر معنی ندارد مگر اینکه ما بگوئیم ما در نظامنامه اجرای این قانون همچو قرار میدهیم که آن کسانیکه پذیرفته شده اند و وارد اداره پلیس شده اند سه ماه - شش ماه موعده امتحانشان است و بعد از آنکه امتحان دادند دیگر اخراج نمیشوند و این ۶ ماه موعده است که اگر از عهده خدمت بر نیامدند اخراج میشوند و اگر بر آمدند که مستخدم رسمی است در هر حال يك موعده را برای اخراج باید قرار داد و با ماده اول هم موافقت میکند و اگر این را در نظامنامه یا تبصره توضیح بدهید خیلی بهتر است که ذکر شود اگر از عهده امتحان بر نیامد اخراج میشود و منافاتی هم با مستخدم رسمی بودن ندارد

مخبر کمیسیون داخله - شما مقصودتان از مستخدم رسمی که میفرمائید چیست؟ مگر غیر از اینکه بموجب قانون مستخدم رسمی است! قانون اختیار میدهد به نظمی که اگر کسی نتوانست از عهده انجام وظیفه خودش بر آید نظمی حق داشته باشد او را اخراج نماید پس باز اخراج او از روی قانون است همانطور که قانون اینها را مستخدم رسمی میشناسد همینطور هم مورد اخراج را قانون معین میکند و ماده ۵ این اختیار را میدهد به نظمی که اگر مستخدمی

را به بند لایق نیست او را اخراج کنند برای اینکه پول ببخورد ندهد و از دولت حقوق بگیرد و این تبصره داده این اختیار را میدهد

رئیس - آقای ملک موفقی

ملک مدنی - نه خیر. عرض کنم بعقیده بنده آقای وزیر توجه نمیکنند به اعتراضاتی که میشود اینجا در ماده اول شما افراد پلیس را مستخدم رسمی شناختن باید این تقصیر رفتیکه آمد مستخدم رسمی شد مثلش را بنده عرض میکنم این تقریکه آمد و وارد شد دو دوره هم که شش سال باشد اینجا مستخدم شد و کار کرد و حقوق تقاعد هم داد یکماه باخر انقضای شش سال مانده این را دولت اخراج کرد این آمد در واقع حقوق تقاعد داده شش سال هم مستخدم رسمی دولت بوده و این بکلی حقوق تقاعدش از بین رفته است وقتی که ما قبول شدیم اینها مستخدم رسمی هستند باید همانطور که آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند برای دوره آزمایششان يك مدتی معین کنید بعقیده بنده باید يك تبصره اینجا زیاد کرد که اشخاصی که مستخدم و وارد نظمی می شوند در ظرف سه ماه می توانند اینها را خارج کنند و بعد از اینکه سه ماه گذشت دیگر اینها مستخدم دولتی هستند و نباید متعرض آنها باشند بعقیده بنده افراد پلیس بیشتر از سایر مستخدمین بایستی سوابق خدمتشان مراعات شود برای اینکه آنها بیشتر جانشانی می کنند و خدماتشان زیادتر است و حالا که دولت آمده و خواسته است آنها را مستخدم رسمی بشناسد باید طوری باشد که اینها مستخدم باشند و این تبصره بکلی قسمت اول این لایحه را از بین می برد هم با لایحه مخالف است و هم حقیقتاً یک نوع بی اعتدالی است نسبت با افراد پلیس حالا دوره آزمایش را در قانون سه ماه قائل شده اند شش ماه قائل شوند اگر خیلی افراط نخواهیم قائل شویم باید بگوئیم که در ظرف شش ماه اگر چنانچه يك فردی تا لایق شد و اداره خواست او را خارج کند حق داشته باشد ولی بعد از شش ماه دیگر حق نداشته باشد

و ثوق (مخبر کمیسیون داخله) - خود آقای کمیسیون تشریف داشتند و در این ماده مذاکره فرمودید موقعیکه در طلبین بخدمت مطابق آن ماده سه ماه باید تعلیمات در مدرسه نظمی یاد بگیرند و خدمات نظمی را بکنند و يك عده که می پذیرند تاسه سال ورقه تعهد نامه مطابق ماده ۵ از آنها میگیرند و اگر چنانچه بنا شد دوره سه سال تمام شد و در ظرف یکماه از سال بعد گذشت و استعفاء نداد این اگر بخواهد استعفاء بدهد از برای نظمی مخارج هنگفتی تولید میکند زیرا از برای هر ده نفری که در سال ۳ یا ۴ استعفاء میدهند باز نظمی یکمدرسه اختصاصی باید تشکیل بدهد و آنها را تربیت بکند بعلاوه اینها را مختار کرده اند بعد از دوره سه سال که یکماه حق دارند استعفاء بدهند اگر بعد از یکماه استعفاء ندادند بانه تکلیف میکنند و ورقه تعهدی از آنها میگیرند این در واقع مثل يك مستخدم جدیدی است که تازه وارد شده و ورقه تعهد از آنها میگیرند اگر ورقه تعهد داد مثل

طلوع - صحیح است

رئیس - آقای دشتی موافقت؟

دشتی - بلی عرض کنم بنده هیچ دلیلی برای مخالفت با این تبصره نمی بینم و این را خیلی خوب میدانم شک میفرمائید دو نقص دارد یکی اینکه مخالف با قانون استخدام است این بکلی غلط است برای اینکه قانون استخدام ما فوق این قانون نیست این قانون هم که گذشت يك قانونی میشود مثل قانون استخدام یعنی مأمورین نظمی هم مشمول این قانون خواهند بود پس این با قانون منافاتی ندارد اگر منافات داشت می گفتند مشمول این قانون خواهد بود پس قانون استخدام را دلیل قرار دادن بکلی غلط است زیرا اینهم قانونی است مثل قانون استخدام یکی دیگر اینکه میفرمائید اصلا اینکار بدی است بنده عقیده ندارم برای اینکه شما میفرمائید يك مأموری را آوردند و بعد هم بد کار کرد معذلك ما عاشق چشم و ابرویش بشویم و این را نگاهداریم خیر آقا این خیلی غلط است شما اگر يك نوکری داشته باشید و او بوظیفه خودش اگر رفتار نکند شما بیرونش میکنید این يك امر خیلی طبیعی است شما اگر نوکری داشته باشید که او وظایف خودش را انجام ندهد چه میکنید؟ او را بیرونش میکنید نظمی هم میخواهد اینکار را بکند مؤسسات مملکتی هم باید سر مشق لیاقت مردم بدهند وقتی مأمور کاملاً بوظایف خودش عمل کرده و تقوی بخرج داده است او را باید نگاه داشت و حقوق تقاعد داد ولی اگر نالایق بود باید بیرونش کنند مخصوصاً مأمورین نظمی که با نوامیس مردم سروکار دارند باید تقوی داشته باشند و باید سرمشق مردم باشند از این جهت این چیزی است که اگر لایق نباشد باید نظمی او را بیرون کنند

رئیس - آقای بیات

بیات - موافقم

رئیس - آقای طهراني

طهرانی - موافقم ولی ...

رئیس - ولی دیگر ندارد آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم اینجا صحبت مخالفت و موافقتی نبوده است مقصود توضیح قضیه است که در اجراء دچار اشکال نشویم اینجا در ماده ۵ مینویسد از افراد در موقع ورود بخد مت باید ورقه تعهد نامه بگیرند که تا سه سال حق استعفای از خدمت ندارند و پس از انقضاء مدت سه سال باز بانها اخطار می کنند در صورتیکه خواستند بمانند باز يك تعهد نامه دیگری از آنها گرفته خواهد شد و اگر چنانچه این ترتیب نشد و يك ماه از سه سال گذشت دیگر نمی شود استعفا بدهد بعد از ۶ سال چه طور میشود و این چه حالی خواهد داشت در سال دوم هم یکسفر دی تعهدش را امضاء کرده و این دوره هم گذشت یعنی شش سال گذشت باز باید از او تعهد نامه گرفته شود بنا خبر اگر باید گرفته شود در اینجا باید توضیح داده شود تا مطلب روشن شود و باید معلوم شود که آن فرد حق دارد کناره بگیرد یا نه اگر کناره گرفت برای او حقوقی منظور است از نقطه نظر خدمت شش ساله اش یا خیر بعقیده بنده هر قدر آقای وزیر در این موضوع توضیح بدهند بهتر است و در عمل دچار اشکال نمیشویم

وزیر داخله - عرض کنم این ماده هم بطور که میفرمایند معین است اینجا نوشته در ظرف یکماه بعد از سه سال یعنی اگر مکرر شد این سه سال یکماه از برای او مدت قرار گذاشته شده اگر در یکماه استعفا داد که هیچ و اگر نشد باز سه سال تجدید میشود

رئیس - پیشنهاد آقای آفا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم تبصره بماده اضافه شود

تبصره - پس از پذیرفتن داوطلب تا ۶ ماه داوطلب امتحان میشود در این مدت اگر از عهده امتحان بر نیامد اخراج میشود
رئیس - ماده ۶
ماده ۶ - مراتب خدمت بقرار ذیل است
نمره افراد
۱ نایب درجه ۳

- ۲. تین درجه ۲ ردیف افراد
 - ۳. تین درجه ۱ ردیف افراد
 - ۴. تین درجه ۳ ردیف افراد
 - ۵. تین درجه ۲ ردیف افراد
 - ۶. تین درجه ۱ ردیف افراد
- رئیس - تکلی نیست ماده ۷ از آن است
- ماده ۷ - بدون شرط و زیاده و بدون ترتیب و فوق العاده ارتقاء یافت فرادیکه در این درجه خدمت و نظریه وقت و استحقاق خود را در معاینه شهور رسیده باشد مطابق مقررات فصل دوم استحقاق ترفیع را خواهد بود
- رئیس - ماده ۸ قرار است میشود
- ماده ۸ - مقرری تعیین فراد مذکور در ماده (۶) بر طبق بودجه مصوبه در هر سال معین میشود
- رئیس - شکلی نیست ماده ۹
- ماده ۹ - فراد ردیف فراد سالی بزرگتر از حق مرخصی به استناد از حقوق دارند ترتیب استناد از شخصی

مدی سازمان نظامیه های آذری معین شود
رئیس - پیشنهاد شده است که جلسه خارج شود (صحیح است)
[۴] تقدیم نامه از طرف معاین وزارت عدلیه
معاون وزارت عدلیه آقای ...
راجع به ...
[۵] - موقع جلسه بعد حایم جلسه

رئیس - چون در هر دو مورد ...
بیت ...
[۶] - ...
هم جلسه باشد (صحیح است)
(مجلس عقارت شهر حایم شد)
رئیس مجلس شورای ملی ...

